

Legal Investigation of the Share of Caspian Sea Littoral Countries in Oil and Gas Resources (presenting of the equal arc sharing model for the Caspian Sea)

Mohammad Mahdi Hajian 

Assistant Professor, Private Law Group, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Seyyed Esmaeil Hashemi 

Ph.D. Student in International Oil and Gas Contracts, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Rahim Saemi 

Head of the Study and Analysis Group of Economic Sectors, Mazandaran General Directorate of Economic Affairs and Finance, Saari, Iran

Abstract

Strategically, the Caspian region has become one of the most important parts of the world in recent years due to the existence of energy reserves and its transfer to consumer markets consequently it draws the attention of regional powers and global superpowers. After the collapse of the Soviet Union and the increase in the number of coastal countries, different views and opinions have been expressed about the ruling legal regime of the Caspian Sea. This article employs the equal arc sharing model and combines different methods of division, divides the map and area of the Caspian Sea fairly, and tries to pay attention to the principle of justice and fairness simultaneously. The main question of this article is determining the portion of each of the Caspian littoral countries in the harvest of proved reserves in energy resources. The results show that the share of each country in the common area will be ۲۰%. In total, Kazakhstan (۲۸%), Iran (۲۳%), Russia (۲۲%), Turkmenistan (۱۴%), and Azerbaijan (۱۳%) allocate occupancy of the Caspian Sea area.

Keywords: Caspian Sea, Geopolitical Capabilities, Geo-economics Capabilities, Share of the Caspian Sea

JEL Classification: Q۳۴, Q۴۸, Q۵۷

* Corresponding Author: Hashemi@es@gmail.com

How to Cite: Hajian, M M., Hashemi, S E., Saemi, R. (۲۰۲۲). Legal investigation of the share of Caspian Sea littoral countries in oil and gas resources (presenting of the equal arc sharing model for the Caspian Sea). Iranian Energy Economics, ۴۳ (۱۱), ۳۵-۶۰.



----- پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران -----


دوره ۱۱، شماره ۴۳، تابستان ۱۴۰۱، ۳۵-۶۰

Jiee.atu.ac.ir

DOI: <http://dx.doi.org/10.22054/jiee.2022.68180.1929>

بررسی حقوقی سهم کشورهای حاشیه دریای خزر از منابع نفت و گاز (ارائه مدل سهم‌بری قوس یکسان برای دریای خزر)


استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد مهدی حاجیان 

دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سیداسماعیل هاشمی *

رئیس گروه مطالعه و تحلیل بخش‌های اقتصادی / اداره کل امور اقتصادی و دارایی مازندران، ساری، ایران

رحیم صائمی 

چکیده

از نظر راهبردی، منطقه خزر به دلیل وجود ذخایر انرژی و انتقال آن به بازارهای مصرف یکی از مهم‌ترین قسمت‌های جهان در سال‌های اخیر تبدیل شده است و همین امر باعث شد تا این منطقه توجه قدرت‌های منطقه‌ای و ابرقدرت‌های جهانی را به خود جلب نماید. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افزایش تعداد کشورهای ساحلی، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی راجع به رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر مطرح شده است. این مقاله با استفاده از مدل سهم‌بری قوس یکسان و تلفیق روش‌های مختلف تقسیم‌بندی، نقشه و مساحت دریای خزر را به شکلی عادلانه تقسیم نموده و در عین حال سعی شده است به اصل عدالت و انصاف توجه گردد. اینکه سهم هریک از کشورهای حاشیه دریای خزر در برداشت از ذخایر تثبیت شده در حامل‌های انرژی چه میزان باید باشد به‌عنوان سؤال اصلی مقاله حاضر است. نتایج نشان می‌دهد در سهم‌بری منطقه مشاع، سهم هریک از کشورها ۲۰ درصد خواهد بود. در سهم‌بری کلی، کشور قزاقستان با (۲۸ درصد)، ایران (۲۳ درصد)، روسیه (۲۲ درصد)، ترکمنستان (۱۴ درصد) و آذربایجان (۱۳ درصد) از مساحت دریای خزر را به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: دریای خزر، قابلیت‌های ژئوپلیتیکی، قابلیت‌های ژئواکونومی، سهم‌بری دریای خزر

طبقه‌بندی JEL: Q۳۴, Q۴۸, Q۵۷

۱. مقدمه

دریای خزر بزرگ‌ترین فلات آبی محصور در خشکی به عنوان دریا یا بزرگ‌ترین دریاچه جهان با مساحت ۳۸۶۴۰۰ کیلومترمربع (طول کل ۱۲۰۰ کیلومتر از شمال به جنوب و عرض آن از حداقل ۱۹۶ کیلومتر تا حداکثر ۴۳۵ کیلومتر) و میانگین عمق حدود ۱۷۰ متر (حداکثر عمق جنوبی ۱۰۲۵ متر) است که هیچ ارتباطی با آب‌های آزاد ندارد. طول خط ساحلی تقریبی آن ۷۰۰۰ کیلومتر می‌باشد و توسط پنج کشور ساحلی آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان احاطه شده است. آب‌های بیش از ۱۳۰ رودخانه بزرگ و کوچک به خزر می‌ریزد که مهم‌ترین آن‌ها رودخانه ولگا با ۸۰ درصد تأمین آب ورودی می‌باشد.

این دریا با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی^۱ و ژئواکونومی^۲ خود با مشکلاتی نظیر وضعیت حقوقی تعریف‌نشده، اختلافات ارضی، بی‌ثباتی‌های قومی و مجاورت با نقاط حساس مانند آشفستگی خاورمیانه و درگیری اخیر در اوکراین مواجه است. علاوه بر نگرانی‌های سیاسی، حقوقی و امنیتی، بحران اقتصادی و ارزی فدراسیون^۳ روسیه، کاهش شدید قیمت جهانی انرژی و کاهش کلی سرمایه‌گذاری در منطقه طی دو سال گذشته به آن افزوده شده است. در حال حاضر تجارت انرژی دریای خزر اثرات منفی این روندها را تجربه می‌کند که پیامد مهم جبران خسارات ناشی از آن، رقابت بسیار سخت به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری و مشارکت خارجی حوزه انرژی در آینده توسط کشورهای ساحلی خواهد بود که به ناچار منجر به اعطای امتیازات بیشتر به سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود و احتمالاً بر ثبات منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. لذا بررسی و توجه به مباحث سیاست انرژی ملی و بین‌المللی در این منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است.

طی دو دهه گذشته و با هجوم شرکت‌های بزرگ نفتی به این منطقه و کشف، توسعه و تولید منابع هیدروکربوری^۴ دوچندان شده است. آذربایجان نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۹۷ نسبت به بهره‌برداری از منابع نفت و گاز خزر اقدام نمود. ترکمنستان در سال ۲۰۰۷، روسیه در سال ۲۰۱۰ و قزاقستان در سال ۲۰۱۶ بهره‌برداری از تولید نفت و گاز را

۱. Geopolitics

۲. Geoeconomy

۳. federation

۴. منابع هیدروکربوری (Hydrocarbon Sources) به ذخایر زیرزمینی نفت خام و گاز طبیعی اطلاق می‌گردد.

آغاز کردند اما ایران تنها کشوری است که هنوز تولید نفت و گاز را از عرصه آبی شمالی‌اش شروع نکرده است. علی‌رغم توافقات تحدید حدود بستر دوجانبه (روسیه و قزاقستان در جولای ۱۹۹۸، روسیه و آذربایجان در ژانویه ۲۰۰۱، قزاقستان و آذربایجان نوامبر ۲۰۰۱) و سه‌جانبه (روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان در می ۲۰۰۳) در بخش شمالی دریای خزر، تاکنون در بخش جنوبی توافقی بین کشورهای ایران، آذربایجان و ترکمنستان شکل نگرفته و تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر با هدف دستیابی به توافق جامع همچنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسئله برای این کشورها باقی مانده است. پیشنهادهای متقابل زیادی مورد بررسی قرار گرفته است، اما این مذاکرات هنوز راه‌حلی را که مورد توافق هر پنج کشور باشد، به دست نیاورده است. در واقع اختلاف وضعیت حقوقی دریای خزر و نگرانی‌های امنیتی آن نقش مکمل و به‌سزایی در دستیابی به اهداف انرژی در این منطقه دارد.

این مطالعه پس از بررسی ذخایر هیدروکربوری تثبیت‌شده دریای خزر، به دنبال پاسخ به این سؤال بوده که سهم هریک از کشورهای ساحلی در برداشت از ذخایر هیدروکربوری چه میزان باید باشد. هدف اصلی مطالعه حاضر توزیع منصفانه^۱ و مشخص کردن حصة ایران از بستر و زیر بستر دریای خزر است. سازمان‌دهی مطالعه حاضر به این ترتیب است که بعد از مقدمه حاضر، مبانی نظری آورده می‌شود. بخش سوم به عنوان روش‌شناسی دربرگیرنده روش تحقیق و داده‌های مورد استفاده می‌باشد. بخش چهارم به برآورد تجزیه و تحلیل نتایج می‌پردازد. در نهایت، بخش پایانی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای اختصاص دارد.

۲. مبانی نظری

امروز اهمیت دریاها در ابعاد مختلف حیات بشری بر کسی پوشیده نیست. اقتصاد کشورهای ساحلی تا حد زیادی به بهره‌برداری از منابع آبی و انرژی دریایی وابسته است.

۱. Equitable Distribution

بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع معدنی و هیدروکربنی در بستر و زیربستر دریاها (فلات قاره)^۱ قرار دارد (شاو^۲، ۲۰۰۸).

دریای خزر دارای قابلیت‌های منحصر به فرد برای آماد^۳، حمل و نقل، گردشگری، تفریحی و همچنین منبع عالی نفت و گاز است. این دریا تا چند دهه پیش با توجه به محصور بودن بین دو کشور اتحاد جماهیر شوروی و ایران به ندرت برای تجارت بین‌المللی یا امنیت انرژی اهمیت داشت. در واقع، بیشتر شهرت آن به خاطر ویژگی‌های جغرافیایی مبنی بر بزرگ‌ترین آب داخلی جهان و بزرگ‌ترین دریاچه بود. در پی انحلال اتحاد جماهیر شوروی و ظهور سه کشورهای مستقل ساحلی جدید به همراه ایران و روسیه ماهیت روابط بین دولت‌ها در منطقه خزر کاملاً تغییر یافت. از نیمه دوم قرن نوزدهم، منطقه خزر، عمدتاً به دلیل دسترسی گسترده به ذخایر نفتی، به عنوان یک نقطه کلیدی مورد توجه قرار گرفت.

پس از ظهور کشورهای ساحلی جدید و «رونق» تولید نفت و گاز در این منطقه به دنبال منافع ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی^۴ برای پنج کشور ساحلی و بازیگران خارج از منطقه نظیر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و ترکیه، محققین توجه خود را به حل مشکل حقوقی معطوف کردند. از زمان استقلال کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان تاکنون به دلیل اختلاف در مواضع و منافع، مذاکرات در مورد تعیین وضعیت حقوقی زمان بر شده و همچنان ادامه دارد. علی‌رغم برگزاری جلسات متعدد دوجانبه و چندجانبه حتی در بالاترین سطح نمایندگان، کشورهای ساحلی نتوانسته‌اند در مورد جایگاه حقوقی خزر به یک نقطه مشترک برسند.

علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی ایران در میان تولیدکنندگان پیشرو نفت جهان و دومین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی قرار دارد، سهم جمهوری اسلامی ایران از ذخایر نفت و گاز خزر نامشخص است. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش انرژی

۱. فلات قاره (Continental Shelf) منطقه بستر و زیر بستر دریا در مجاور ساحل، اما در خارج از منطقه دریای سرزمینی که تا امتداد حداقل ۲۰۰ مایل دریایی و حداکثر ۳۵۰ مایل دریایی از خط مبدأ آب‌های سرزمینی ادامه می‌یابد.

۲. Shaw

۳. Logistics

۴. Geostrategic

به دلیل درگیری‌های مستمر با غرب بر سر موضوع هسته‌ای با مشکل مواجه شده اما ایران به دلیل موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و همچنین موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد بین حوزه خزر و خلیج فارس، همچنان یک کشور ترانزیتی جذاب به حساب می‌آید.

۱-۲. منابع نفت و گاز طبیعی

اهمیت استراتژیک خزر در فراوانی منابع انرژی آن است. این دریا دارای حجم زیادی از ذخایر نفت و گاز طبیعی است. با این حال، بسیاری از منابع دریایی نفت و گاز طبیعی در دریای خزر مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند.

پس از بحران نفت در سال ۱۹۷۳ و همچنین مناقشات گاز طبیعی روسیه و اوکراین در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، اهمیت منابع انرژی دریای خزر بیش از پیش نمایان شده است. از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی در رابطه با سیاست‌های انرژی (امنیت عرضه، پایداری و رقابت‌پذیری)، تحولات جدیدی را با هدف افزایش امنیت انرژی و کاهش وابستگی شدید به منابع خاورمیانه ایجاد کردند؛ از این رو به دنبال استفاده از منابع هیدروکربنی در حوضه خزر بوده‌اند. فدراسیون روسیه و ایران با توجه به دارا بودن منابع فسیلی عمده و تولیدات قابل ملاحظه انرژی، بخش کوچکی از منابع نفت و گاز حوضه خزر را استخراج کرده‌اند، از طرفی کشورهای مستقل جدید یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان که اقتصاد آن‌ها عمدتاً به صادرات وابسته است علاقه زیادی برای همکاری با اقتصادهای غربی به منظور استخراج و بهره‌برداری حداکثری از منابع انرژی در این منطقه داشته و تاکنون موافقت‌نامه‌های انرژی مختلفی را با آن‌ها امضاء نموده‌اند. امروزه ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن، کشورهای حاشیه خزر را بازار بالقوه جدیدی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در منابع نفت و گاز می‌بینند.

طبق گزارش ارائه شده توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا^۱ در سال ۲۰۱۳ حجم ذخایر اثبات شده و احتمالی نفت و گاز دریای خزر به ترتیب معادل ۴۸/۲ میلیارد بشکه و

۱. Energy Information Administration (EIA)

بررسی حقوقی سهم کشورهای حاشیه دریای خزر از منابع نفت و گاز ... | حاجیان و همکاران | ۴۱

۲۸۵ تریلیون مترمکعب می‌باشد به طوری که کشورهای قزاقستان (۳۱/۲ میلیارد بشکه) و آذربایجان (۸/۵ میلیارد بشکه) بیشترین ذخایر نفت و کشورهای روسیه (۱۰۹ تریلیون مترمکعب) و قزاقستان (۱۰۴ تریلیون مترمکعب) بیشترین ذخایر گاز را دارا می‌باشند.

جدول ۱. ذخایر اثبات شده و احتمالی نفت و گاز در بخش دریایی خزر در سال ۲۰۱۳

کشور	نفت (میلیارد بشکه)	گاز (تریلیون مترمکعب)
آذربایجان	۸/۵	۵۱
واقع در ساحل	۶/۸	۴۶
فراساحل	۱/۷	۵
ایران	۰/۵	۲
واقع در ساحل	۰/۵	۱
فراساحل	مقدار برای تعداد ارقام اعشاری نشان داده شده بسیار کوچک است.	۱
قزاقستان	۳۱/۲	۱۰۴
واقع در ساحل	۱۵/۷	۳۶
فراساحل	۱۵/۵	۶۸
روسیه	۶/۱	۱۰۹
واقع در ساحل	۱/۶	۱۴
فراساحل	۴/۵	۹۵
ترکمنستان	۱/۹	۱۹
واقع در ساحل	۱	۹
فراساحل	۰/۸	۱۰
جمع کل	۴۸/۲	۲۸۵
واقع در ساحل	۲۵/۶	۱۰۶
فراساحل	۲۲/۵	۱۷۹

منبع: U.S. Energy Information Administration (۲۰۱۳), IHS EDIN

بنا به این گزارش، با افزایش بهره‌برداری گاز طبیعی از دریای خزر در آینده نزدیک این منطقه کانون جدید گاز طبیعی خواهد شد. این برآوردها بیشتر مربوط به منابع موجود در ساحل یا نزدیک به ساحل کشورهای پیرامون دریای خزر است، زیرا توسعه نیافتگی میدان‌های نفتی، نداشتن امکان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و بسته بودن دریای خزر که

مانع انتقال کشتی‌ها و دکل‌های بزرگ اکتشافی است، موجب شده است اطلاعات دقیقی از منابع بستر اعماق دریای خزر به‌ویژه در بخش جنوبی آن (که در اختیار سه کشور ایران و جمهوری آذربایجان و ترکمنستان است) وجود نداشته باشد. براساس برآوردهای موجود سازمان بین‌المللی انرژی گفته می‌شود منابع مهم نفت در بخش شمالی خزر و منابع مهم گاز در بخش جنوبی آن قرار دارد (بلانک^۱، ۲۰۱۸).

۲-۲. رژیم حقوقی^۲ دریای خزر

قبل از فروپاشی اتحاد شوروی، ایران و اتحاد شوروی بر پایه پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در دریای خزر عمل می‌کردند و همه دولت‌های مستقل هم اجرای تعهدهای ناشی از قراردادهای اتحاد شوروی را پذیرفتند (ناظمی، ۱۳۸۱).

از نظر روسیه تعریف وضعیت حقوقی بین‌المللی خزر بستگی به طبقه‌بندی این حوضه آبی به‌عنوان دریای محصور یا دریاچه مرزی دارد؛ این در حالی است که به عقیده ایران در تحدید حدود دریای خزر با توجه به ویژگی خاص جغرافیایی آن می‌بایست ایده مالکیت مشاع^۳ که فرصت‌های برابری را برای توسعه همه کشورهای ساحلی و بهره‌برداری عادلانه فراهم می‌کند، مدنظر قرار گیرد. ایران در سال‌های اخیر به‌رغم تأکید بر لزوم تعیین رژیم حقوقی خزر بر پایه اصل مشاع نسبت به تقسیم این دریا به شرط قرار گرفتن ۲۰ درصد برای هر کشور ساحلی ابراز تمایل کرده، اما به‌هیچ‌وجه رژیم ترکیبی و دوگانه را به رسمیت نشناخته و معتقد است که تنها باید یک رژیم بر سطح بستر و زیر بستر این دریا حاکم شود. کشورهای غربی جهت جلوگیری از زیان‌های وارده با این تفکر به شدت مورد مخالفت کردند چرا که آن‌ها معتقدند کشورهای ساحلی در تعیین وضعیت حقوقی توسط هر معاهده که ممکن است بین خود داشته باشند؛ آزاد هستند.

دیدگاه‌های فدراسیون روسیه از سال ۲۰۰۰ به طرز چشمگیری از اهداف سیاسی - امنیتی به سمت عمدتاً اقتصادی تغییر کرد. به همین منظور، فدراسیون روسیه برای تأمین منافع اقتصادی خود در این حوزه، به توافقات دوجانبه و چندجانبه با کشورهای حاشیه

۱. Blank

۲. Legal Regim

۳. Condominium (Co-ownership)

دریای خزر روی آورد. این کشور با سیاست منحصر به فرد خود به نام «آب‌های مشترک، بستر تقسیم شده» به مواضع قزاقستان و آذربایجان نزدیک شد و تا حدی از آب‌های سطحی، حفظ ناوبری آزاد و استانداردهای زیست‌محیطی مشترک برای همه کشورهای ساحلی حمایت کرد. با توجه به این تلاش‌ها، فدراسیون روسیه با تقسیم شمال خزر با آذربایجان و قزاقستان موافقت کرد، در حالی که همچنان قویاً تأیید می‌کند که اجماع پنج‌جانبه همچنان تنها راه برای تصمیم‌گیری نهایی در مورد وضعیت حقوقی خزر است.

جمهوری آذربایجان با تکیه بر اصل دگرگونی اوضاع احوال، طرح تقسیم دریاچه را در قانون اساسی خود گنجانده است. قزاقستان هم با استناد به دگرگونی اوضاع و احوال و همچنین تأکید بر اینکه ویژگی‌های دریای خزر با ویژگی‌های دریاچه‌های کنونی متفاوت است و از دید حقوقی باید برخوردی جدا از مقوله دریاچه‌ها و آب‌های داخلی با آنها داشت، با جمهوری آذربایجان در این مورد هم‌رأی شده است. ترکمنستان راه میانه‌ای برگزید، در یک سو از مشاع بودن دریای خزر پشتیبانی می‌کند و از سوی دیگر خواستار تقسیم منابع مورد اختلاف با جمهوری آذربایجان در میانه این دریا است (حقایقی، ۱۳۸۲).

در سال‌های اخیر کشورمان نیز فعالیت‌هایی هرچند کمتر و ناکافی را در این قسمت از دریا شروع کرده است. با توجه به اینکه ایران امیدی به اجماع کشورهای منطقه خزر روی تقسیم عادلانه دریا ندارد، در صدد است تا میدان را برای طرف‌های مقابل برای محقق دانستن خود و ادعاهای به پایه و اساس آنها باز نگذارد. از این رو، در سال‌های اخیر بدون توجه به رژیم کنونی دریا، کوشیده است در حوزه‌های مورد نظر خود فراتر از خط فرضی حسینقلی - آستارا به فعالیت‌های اکتشافاتی بپردازد. البته تا آنجا که این موضوع به بحران در روابط با چهار کشور دیگر ساحلی منجر نشود. چنین رویکردی نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در شروع فعالیت‌های نفتی ایران در دریای خزر مشخص نبودن رژیم حقوقی خزر است. بنابراین، ایران در صدد است اجازه ندهد خط فرضی یادشده به عنوان مرز دریایی کشور شناخته شود و بنا دارد قبل از آنکه ماجرای تقسیم دریا جدی شود، جای پای خود را ورای خط فرضی محکم‌تر کند (خداپرست و صیادی، ۱۳۹۵).

بنابراین قابل‌درک است که مواضع کشورهای ساحلی در مورد رژیم حقوقی خزر ریشه در تمایل این کشورها برای به دست آوردن بیشترین سهم از منابع بستر و زیر بستر

دریای خزر دارد و دلیل اصلی کشمکش و ابهام در وضعیت حقوقی دریای خزر، منافع اقتصادی و توزیع نامتعادل ظرفیت نفت و گاز در کف و بستر دریا است (باگت^۱، ۲۰۰۵). کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر سال ۲۰۱۸ فرصت مناسبی برای همه بازیگران انرژی منطقه است. ناحیه دریای خزر محل دو منبع قدرت مهم است: منابع انرژی و مسیرهای انتقال انرژی. در حوزه خزر نخست جمهوری آذربایجان و سپس قزاقستان شروع به استخراج انرژی، بدون توجه به تعیین رژیم حقوقی کردند (باجرکتارویچ^۲، ۲۰۱۷). در ادامه روسیه و سپس ترکمنستان هم این مسیر را رفتند. بنابراین کنوانسیون خزر گام بسیار مهمی برای رفع دوگانگی‌ها و بازگرداندن وضعیتی واحد و یکسان در موضوع تحدید حدود و مشخص شدن بخش‌های متعلق به هر کشور ساحلی محسوب می‌شود (بائو، ۲۰۱۲). براساس ماده چهار این کنوانسیون طرف‌ها فعالیت‌های خود در دریای خزر را در زمینه‌های دریانوردی، برداشت، استفاده و حمایت از منابع زندگی آبی، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر و همچنین دیگر فعالیت‌ها را بنابراین کنوانسیون و دیگر توافقاتی انجام شده منطبق با این کنوانسیون انجام خواهند داد. همچنین براساس ماده هشتم این کنوانسیون تعیین حدود بستر و زیربستر دریای خزر، کشورهای ساحلی باید از راه توافقاتی انجام شده، با در نظر گرفتن اصول و موازین شناخته‌شده حقوق بین‌الملل و با هدف توانا ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره‌برداری از منابع زیربستر و دیگر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیر بستر اقدام کنند (قربانوف^۳، ۲۰۱۹).

۲-۲-۱. رژیم حقوقی تحدید حدود دریاها

موضوع حقوق دولت‌ها در دریاها با افزایش دریانوردی انگلستان در آبهای آزاد ابتدا با هدف ماهیگیری و سپس با هدف نظامی مطرح گردید. حقوق دریاها به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل شناخته شده است که عمده‌ترین قواعد خود را مدیون کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۱۹۸۲ است. حقوق دریاها به موضوعات مختلفی چون تحدید حدود دریایی،

۱. Bahgat

۲. Bajrektarevic

۳. Gurbanov

محیط زیست دریایی، ماهیگیری و فعالیت‌های تحقیقاتی دریایی، سرمایه‌گذاری دریایی، صلاحیت کشورها در جرائم دریایی و کشتیرانی دریایی می‌پردازد. دریاها به شش منطقه دریای داخلی^۱، دریای سرزمینی^۲، منطقه انحصاری اقتصادی^۳، منطقه نظارت^۴، منطقه بستر عمیق دریا^۵ و دریای آزاد^۶ تقسیم می‌شود. در تقسیم این شش بخش بعضاً اتفاق می‌افتد که دو کشور ساحلی که در کنار یا روبه‌روی یکدیگرند مجبور به انصراف از بخشی از سهم خود شوند و به عبارت دیگر مرزی میان آنها تعیین شود. برای این امر در کنوانسیون حقوق دریاها راهکارهایی در نظر گرفته شده است. ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق دریاها خط منصف را برای تعیین حدود قلمروی دریای انحصاری اقتصادی به رسمیت شناخته است و بند ۱ ماده ۸۳ اصول توافق شده (طبق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری) و خط منصفانه را برای تعیین حدود فلات قاره کشورهای همجوار اعلام کرده است. با این حال این کنوانسیون در خصوص تعیین حدود مناطقی چون رودخانه‌های مرزی و دریاچه‌ها ساکت است.

در مجموع روش‌های که برای تعیین حدود دریایی بیان شده عبارتند از خط منصف، خط منصفانه، خط تالوگ و خط مبتنی بر تناسب. اصل انصاف و تناسب مبتنی بر اوضاع و احوالی مانند وضعیت جغرافیایی، وضعیت ساحلی، جزایر، جمعیت شناسی، منابع، رفتار دول ساحلی و حق تاریخی هستند (صوفی، ۱۳۹۶).

۳. پیشینه پژوهش

در ارتباط با بحث تقسیم خزر و یا تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مطالعات گسترده‌ای صورت پذیرفته است که در ادامه به اختصار مرور می‌شود.

۳-۱. مطالعات خارجی

-
۱. Internal Sea
 ۲. Territorial Waters
 ۳. Exclusive Economic Zone
 ۴. Contiguous Zone
 ۵. Deeply Seabed Zone
 ۶. High Seas

گلب^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای تولید و چشم‌انداز نفت و گاز خزر را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفت، تحقق کامل پتانسیل انرژی منطقه دریای خزر با مشکل وضعیت حقوقی حل‌نشده مواجه است. در این میان کشورهای ساحلی آذربایجان، قزاقستان و روسیه در تعیین مالکیت منابع دریا یا حقوق توسعه آنها به توافق رسیده‌اند. ثروت ناشی از توسعه، منجر به درگیری‌ها می‌شود و خطرات هر کشور را افزایش می‌دهد. باین‌حال، موانع قابل‌توجهی برای افزایش تولید نفت و گاز منطقه دریای خزر وجود دارد که ممکن است توسعه آن را کندتر کند.

ممدوف^۲ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی ژئوپلیتیک انرژی در منطقه دریای خزر چالش‌های کشور آذربایجان پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از این بوده دریای خزر از طریق همکاری و مشارکت، باید متحدکننده منطقه اوراسیا باشد و نه تقسیم‌کننده آن از طریق رقابت و مخالفت.

باجرکتارویچ^۳ (۲۰۱۵) در مطالعه خود با عنوان بررسی نگرانی‌های حقوقی، سیاسی و امنیتی، به دیپلماسی خط لوله حوزه خزر و پیامدهای امنیت انرژی اتحادیه اروپا پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نگرانی‌های دریای خزر، وضعیت حقوقی تعریف‌نشده، اختلافات ارضی، بی‌ثباتی‌های قومی و مجاورت با سایر نقاط پرتحرک، مانند آشفستگی خاورمیانه و درگیری اخیر در اوکراین را شامل می‌شود. علاوه بر نگرانی‌های فعلی و جاری سیاسی، حقوقی و امنیتی، لایه دیگری از پیچیدگی نشان‌دهنده بحران اقتصادی اخیر و کاهش شدید قیمت جهانی انرژی است.

پاولتا^۴ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان چارچوب قانونی همکاری دولت‌ها در راستای توسعه منابع فسیلی (نفت و گاز) دریای خزر و حمل و نقل آن را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد زمینه مشترک برای همکاری بین کشورهای ساحلی، مقررات قانونی است و توسعه پایدار منابع در این دریا مستلزم قاطعیت در اجرای این مقررات می‌باشد که وضعیت آن با تصویب کنوانسیون دریای خزر در سال ۲۰۱۸ مشخص شده

۱. Gelb

۲. Mammadov

۳. Bajrektarevic

۴. Pawletta

است. اجرای خوب مفاد این کنوانسیون در سطح عملیاتی، امکان انجام فعالیت‌ها در دریای خزر را فراهم می‌کند.

پیتکیویچ^۱ (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان وضعیت حقوقی دریای خزر - مشکل حل شد؟ وضعیت حقوقی آن را پس از تصویب کنوانسیون دریای خزر در سال ۲۰۱۸ مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که حتی با وجود معاهده بین‌المللی در مورد این حوضه آبرگیر، وضعیت قانونی آن نامشخص است. با وجود شباهت‌های فراوان بین دو رژیم حقوقی (اینکه دریای خزر به عنوان دریا تلقی شود یا دریاچه)^۲، به دلیل خلأهای موجود در معاهده همچنان سؤالات بی‌پاسخ باقی مانده که رویه قضایی باید به آنها رسیدگی کند.

کاراتایف و هال^۳ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان سازماندهی و مقایسه روندهای امنیت منابع غنی انرژی در کشورهای صادرکننده (روسیه و منطقه دریای خزر) و با استفاده از یک رویکرد سری زمانی و امتیازهای Z نرمال شده برای طیف وسیعی از معیارهای قابل مقایسه، به بررسی عملکرد امنیت انرژی در شش کشور دریای خزر به صورت جداگانه و پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۰ جمهوری آذربایجان، ایران و قزاقستان در زمینه امنیت انرژی پیشرفت چشمگیری داشته‌اند این در حالی است که شاخص‌های امنیت انرژی در روسیه، ازبکستان و ترکمنستان کاهش یافته است. ایران دارای یک جایگاه پیشرو در عملکرد امنیت انرژی، در حالی که ازبکستان و ترکمنستان پایین‌ترین سطح را دارند.

۲-۳. مطالعات داخلی

شریعت باقری و جهانی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان تحولات رژیم بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز دریای مازندران، مسائل مربوط به تحدید حدود دریایی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد دریای خزر دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر آب‌ها متمایز می‌کند؛ این ویژگی‌ها مستلزم پیش‌بینی رژیم حقوقی خاصی برای دریای خزر است، رژیمی که باید با توافق دولت‌های ساحلی و توجه به سابقه تاریخی

۱. Pietkiewicz

۲. اگر دریای خزر را دریاچه بدانیم در آن صورت مشمول کنوانسیون سال ۱۹۸۲ ملل متحد (UNCLOS) در مورد حقوق دریاهای نمی‌شود و نظام حقوقی آن باید براساس توافق کشورهای ساحلی دریای خزر تعیین شود.

۳. Karatayev & Hall

معاهدات سابق و وقایع جدید تعریف شود. در عین حال مطالعه مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که عدم تحدید حدود دریایی مانعی جهت بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر نبوده و دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ تدابیری چون توسعه مشترک میدین نفت و گاز و ایجاد نهادهای مشترک به امر بهره‌برداری از این میدین مبادرت ورزد.

خسروی و فراهانی‌فر (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان رژیم حقوقی دریای خزر و مواضع کشورهای ساحلی در مورد نفت، به بررسی حفظ حقوق و منافع ایران در منطقه پرداختند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد با توجه به اینکه دریای خزر یک دریای بسته منحصر به فرد محسوب می‌شود و تأمین منافع یک کشور ساحلی در گروه همکاری با یکدیگر کشورهای ساحلی است به ویژه در مسائلی همچون محیط زیست دریا که بدون همکاری کشورها با یکدیگر میسر نیست، همکاری در خصوص منافع مشترک و پرهیز از اقدامات یک جانبه و یا چند جانبه که در مغایرت با منافع دیگر کشورها باشد در دریای خزر اهمیت زیادی است. موضوع اصلی مذاکرات پنج جانبه مربوط به رژیم حقوقی و همچنین رایزنی ایران با تک تک کشورهای ساحلی تقسیم بستر و زیر بستر دریا است. بر این اساس ایران با تأکید بر لزوم اصل اصناف اعتقاد دارد که باید از شیوه‌های خاصی برای تقسیم استفاده کرد که به نتایج منصفانه منتج شوند.

احمدی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان الگوی رقابت قدرت‌ها در دریای خزر را مورد بررسی قرار دادند. بررسی تطبیقی نتایج مؤید این مطلب است که: از بین عوامل مؤثر بر رقابت قدرت‌ها در خزر؛ مهمترین عوامل عبارتند از: منابع انرژی، مناقشات استراتژیک بر روی ژئوپولیتیک لوله‌های نفتی و ژئوپولیتیک دسترسی و مجاورت با سایر مناطق ژئوپولیتیک که می‌توان همسو بودن یافته‌های نظری و داده‌های آماری را به وضوح مشاهده کرد به یافته‌های نظری و همچنان که در فرض اول پژوهش مشاهده می‌شود، از بین قدرت‌های منطقه‌ای درگیر در رقابت، ترکیه و چین بیشترین سهم را در ایجاد رابطه رقابتی در خزر دارند. تحلیل داده‌های آماری، اگرچه جایگاه تقریباً یکسانی برای این دو کشور در رقابت در منطقه خزر قائل شده است، اما میزان اهمیت نقش این دو کشور را در مقایسه با قدرت‌های ساحلی و فرامنطقه‌ای، ناچیز انگاشته است.

ولی‌زاده و صادقی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر به بررسی جایگاه ایران در ژئوپولیتیک انرژی قفقاز جنوبی پرداخته است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد ایران که در سال‌های گذشته حضور کم‌رنگی در حوزه انرژی منطقه داشته

است، اکنون با فرصت کوچکی برای بهبود جایگاه خود روبه‌رو است. حضور ایران در زنجیره تأمین انرژی اروپا و انتقال نفت و گاز منطقه قفقاز جنوبی به غرب ضمن سود اقتصادی عامل ترقی جایگاه ایران و افزایش ضریب امنیتی این کشور است. به‌ویژه از آغاز سال ۲۰۲۰ و احتمال تنش بیشتر در منطقه غرب آسیا همکاری‌های اقتصادی و نیاز اروپا به گاز طبیعی منطقه در شرایطی که ترکیه نیز از غرب فاصله گرفته و به روسیه نزدیک شده است، فرصتی هرچند اندک برای بهبود جایگاه ایران در حوزه انرژی منطقه قفقاز جنوبی ایجاد شده است. نقطه شروع ایران در این عرصه، نخست باید تعریف و اعلام حضور باشد و سپس به مراحل دیگری ارتقاء یابد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی بوده و از مطالعات کتابخانه‌ای و نقشه‌های رقومی جهت تدوین مبانی نظری که برگرفته از کتاب‌ها، مقالات، مجلات و نقشه‌ها می‌باشد استفاده شده است. سپس با استفاده از داده‌های مکانی و به‌کارگیری از نرم‌افزار GIS^۱ روش جدیدی مبتنی بر توزیع عادلانه و متناسب با موقعیت ژئوپلیتیکی هر کشور ارائه گردیده است. در سال‌های اخیر بنا بر وجود مشکلاتی، بحث تقسیم خزر و یا تعیین رژیم حقوقی این ابر دریاچه با مشکلاتی مواجه بوده که در ادامه به‌طور اجمالی به مهم‌ترین روش‌هایی که تاکنون برای حل آن پیشنهاد گردیده می‌پردازیم. روش‌هایی که برای برون‌رفت از مشکلات مذکور پیشنهاد شده بر اساس مذاکراتی که در سال‌های پس از فروپاشی شوروی انجام گرفته است که تاکنون هیچ‌کدام از آن‌ها به نتیجه مطلوبی نرسیده است.

۴-۱. آحادسازی یا یکپارچه‌سازی^۲

شیوه‌ای است که برای اولین بار در آمریکا به منظور توسعه مؤثر و کارای مخازن نفتی مشترک بین قطعات مفروز به کار گرفته شد. این شیوه فرآیندی است که به وسیله آن ذخایر نفت و گاز در نواحی که مجوز آن در دست بیش از یک نفر باشد به صورت منطقه‌ای واحد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. اگر میدان، مخزن یا ساختار نفتی در قلمرو

۱. Geographic information system

۲. Unitisation, unitization

دو یا چند کشور همسایه گسترده شده باشد، یکپارچه‌سازی بین‌المللی و در صورتی که بین نواحی قراردادی دو یا چند پیمانکار در قلمرو یک کشور واقع شده باشد، یکپارچه‌سازی داخلی خواهد بود (کاشانی، ۱۳۹۳).

افزایش ضریب بازیافت نهایی، جلوگیری از چند برابر شدن هزینه‌های توسعه، جلوگیری از حفاری رقابتی غیرضرور و تولید صیانتی از مخزن یا میدان از جمله فواید یکپارچه‌سازی است. عدم دقت به این مسئله و نداشتن سازوکارهای حقوقی - قراردادی مناسب برای مواقعی که میدان یا ساختار نفتی مشترک بین دو یا چند ناحیه قراردادی کشف می‌گردد، می‌تواند هزینه‌های فراوانی را برای کشور به همراه داشته باشد.

۲-۴. توسعه اشتراکی مخازن نفت و گاز^۱

در مواردی که مخازن نفت و گاز مشترک در مناطقی کشف شود یا احتمال کشف آن برود و دو دولت نسبت به آن مناطق اختلافات مرزی داشته باشند یکی از گزینه‌های مناسب برای دو کشور به منظور بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی موجود در منطقه تا قبل از دستیابی به موافقتنامه تحدید حدود مرزی، استفاده از تأسیس موافقتنامه توسعه مشترک منطقه می‌باشد. این نوع موافقتنامه‌ها ممکن است ندرتاً در مواقعی که مرزهای تحدید حدود شده‌اند نیز برای بهره‌برداری از برخی منابع طبیعی و از جمله هیدروکربن‌های واقع در منطقه مورد نظر منعقد شوند (کاشانی، ۱۳۹۳).

۳-۴. روش مشاع در سطح و تقسیم منابع در زیر بستر

این روش توسط روسیه پیشنهاد گردید و مورد قبول ایران قرار گرفت. این روش براساس عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مبنی بر مشترک بودن دریای خزر میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران است، حق حاکمیت کشورهای ساحلی را تا ۱۰ مایلی در داخل دریا پیشنهاد می‌کند. این روش در ابتدا مورد نظر کشورهای جمهوری اسلامی ایران و دولت روسیه بود، اما با مخالفت سایر کشورها از جمله آذربایجان روبه‌رو شد.

۴-۴. اتصال آخرین نقاط مرزی در ساحل و انحصاری شدن آب‌های پشت آن

۱. Joint Development Zone

در این روش پیشنهاد شد که آخرین نقطه اتصال مرزهای خشکی منتهی به دریا به یکدیگر متصل شده و آب‌های پشت آن در انحصار آن کشور درآید. اعمال این روش سبب خواهد شد که کشورهای غربی و شرقی خزر سهم چندانی از دریاچه نداشته باشند که عدم موافقت کشورهای شرق و غرب خزر مواجه شد. روسیه در اجلاس آلماتی بر موهوم بودن این روش تأکید کرده است (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۵. تقسیم بر مبنای یک کانون

ابتدا مرکز دریای خزر تعیین و سپس خطوط مرزهای خشکی منتهی به دریا به سمت نقطه مرکزی ادامه می‌یابد. در این روش بیشترین سهم به کشورهای ایران و قزاقستان اختصاص می‌یابد.

۴-۶. تقسیم بر مبنای ۲ کانون

با مفروض داشتن دریا به صورت بیضی، ۲ نقطه کانونی تعیین و توسط یک خط به یکدیگر متصل می‌شود و با امتداد دادن خطوط مرزی خشکی به سمت نقاط کانونی، دریا به ۵ قسمت تقسیم می‌شود. در این صورت، سهم ایران ۲۰ درصد خواهد بود که مورد موافقت دیگر کشورهای ساحلی خزر قرار نگرفته است (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۷. استفاده از پیشرفته‌ترین نقاط خشکی در دریا

برای اجرای این پیشنهاد در جنوب دریا، ۳ نقطه دهانه سفیدرود و دماغه شبه جزیره کوپا و دماغه جنوبی خلیج کراسنوسک در ترکمنستان با خط مستقیم به یکدیگر متصل و عمود منصف این خطوط ترسیم و محل تقاطع عمود منصف‌ها تعیین و از آن نقطه به نقاط پایانی مرزهای ۳ کشور خطوطی متصل می‌شود. در این روش سهم کشور قزاقستان بیشتر و سهم کشورهای روسیه، ترکمنستان و آذربایجان تقریباً مساوی می‌باشد.

۴-۸. تقسیم بر اساس طول خط ساحلی

در این روش، خط منصف شمالی جنوبی دریا ترسیم و متناسب با طول ساحل امتداد مرز خشکی به خط منصف متصل می‌گردد (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۹. تقسیم به ۵ قسمت مساوی

در این روش سهمی کاملاً مساوی در مساحت آب دریا، کف و زیر کف برای ۵ کشور ساحلی در نظر گرفته است. در این روش ادامه خط مرزی خشکی به سمت دریا به نحوی امتداد می‌یابد که سطح آب را به ۵ قسمت مساوی تقسیم کرده و محدوده مالکیت ملی به ۱۵ مایل دریایی افزایش داده و ۲ حوزه ساحلی کنترل مرزی - گمرکی با حوزه انحصاری ماهیگیری ادغام می‌گردد. این ۲ توافق مبنای رژیم حقوقی اکنون و آینده این دریاچه است. این پیشنهادها براساس موضوعی که کشورهای ساحلی در مورد نحوه بهره‌برداری از دریای خزر عنوان نموده‌اند، ارائه شده است.

عمده‌ترین ویژگی رقابت میان کشورهای ساحلی دریای خزر را می‌توان رقابت مکانی دانست جایی که به نظر اکثر کارشناسان، حق ایران بنابر توافقات قبلی بیش از دیگران است؛ اما اکنون اوضاع به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود بدین معنا که این کشورها بر سر مالکیت این دریا، به ویژه منابع نفتی آن، با یکدیگر رقابت دارند و هریک به دنبال به دست آوردن سهم بیشتری برای خود هستند.

۱۰-۴. فرمول خط منصف اصلاح شده

در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ روسیه با قزاقستان و سپس با آذربایجان پروتکل دو جانبه‌ای را امضا کرد که با وصل کردن دو سر نقاط ساحلی این دو کشور عملاً حدود ۲۷ درصد دریا سهم قزاقستان و حدود ۱۹ درصد دریا سهم روسیه می‌گردد. سهمی حدود ۱۸ درصد هم با همین فرمول برای آذربایجان در نظر گرفته شده و در واقع ۶۴ درصد بستر دریا را این سه کشور میان خود تقسیم کرده‌اند. سهم ایران در این فرمول تنها ۱۳ درصد در نظر گرفته شد، اما ایران و ترکمنستان این نوع تقسیم‌بندی دو جانبه را به رسمیت نپذیرفته‌اند و رژیم تقسیم دریا را غیر قابل قبول می‌دانند (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۰).

براساس این روش، کف دریای خزر بر پایه خط منصف (طول سواحل) در دریای خزر معین می‌شود و در عین حال آب‌های سطح دریای خزر به صورت منطقه مشترک در نظر گرفته می‌شوند. طبق همین روش، سهم ایران از دریای خزر زیر ۱۳ درصد می‌شود. در مقابل نظر و پیشنهاد روسیه برای تقسیم دریای خزر بر پایه خط منصف اصلاح شده، موضع دولت ایران در سال‌های اخیر تقسیم دریای خزر بر پایه انصاف (مناطق ۲۰ درصدی برای

هر کدام از ۵ کشور حاشیه دریای خزر) و در عین حال تقسیم همه دریای خزر یعنی آب‌ها و کف دریا بوده است.

۱۱-۴. روش سهم‌بری قوس یکسان (مدل پیشنهادی ارائه شده توسط محققین)
در مطالعه حاضر از روش سهم‌بری قوس یکسان استفاده گردیده که تلفیقی از روش‌های تقسیم‌بندی ذکر شده می‌باشد. مزایای این روش عبارت است از: الف) هر کشور محدوده مرزی دریایی خود را دارا می‌باشد. ب) هر کشور بخشی بیشتر از محدوده قوس سمت خود را دارا است. ج) به اصل عدالت براساس محدوده توجه می‌گردد چراکه از میانگین مساحت قوس استفاده می‌شود. د) منطقه مشاع وسط به صورت عادلانه تقسیم می‌گردد. ذ) تقسیم مساوی مناطق مشترک حاصل از تداخل قوس‌ها. در روش سهم‌بری قوس یکسان، کل دریا به دو منطقه اختصاصی و منطقه مشاع ۵ کشوری تقسیم می‌گردد به گونه‌ای که برای محاسبه هر یک از روش زیر استفاده می‌شود.

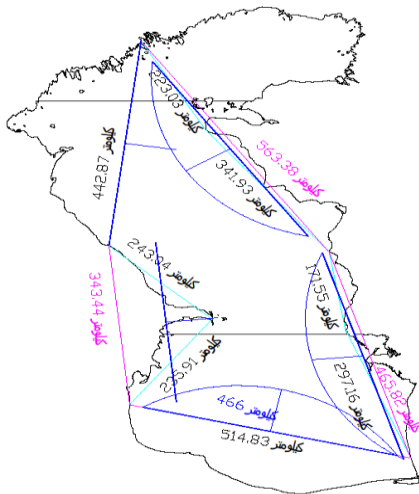
در محاسبه منطقه اختصاصی: ۱) ابتدا خط راست سرحدی مرز دریایی ترسیم و کیلومتر آن محاسبه گردید. ۲) سپس از نقاط فصل مشترک خط راست مستقیم ترسیم گردیده و میزان کیلومتر آن محاسبه گردید. ۳) در مرحله بعدی میانگین فاصله‌ها محاسبه گردید (میانگین خط راست ۴۶۶ کیلومتر بوده است). ۴) با توجه به قاعده ثابت، از نقاط فصل مشترک ۵ کشور قوس رو به دریا با ارتفاع یکسان برای کشورها طراحی و ترسیم گردید اما این موضوع برای دو کشور آذربایجان و روسیه امکان‌پذیر نبوده است. ۵) برای سه کشور آذربایجان و ترکمنستان و قزاقستان از میانگین ارتفاع مثلث برای ترسیم خط موازی استفاده شده است. ۶) برای دو کشور آذربایجان و روسیه با فرض ثابت نگاه داشتن قاعده، ارتفاع قوس را آنقدر افزایش می‌دهیم تا مساحتی مساوی ۳ کشور دارای قوس یکسان دیگر پدید آید. ۷) در مرحله نهایی با احتساب قوس نهایی میانگین فصل مشترکات قوس‌ها برای کشورهای همجوار محاسبه گردید.

۵. تحلیل نتایج

با توجه به ۸ مدل اول ارائه‌شده در روش‌شناسی تحقیق ملاحظه می‌گردد کشور ایران با وجود موقعیت ژئواکونومی ممتاز در بین کشورها به لحاظ برخورداری از منابع نفت و گاز

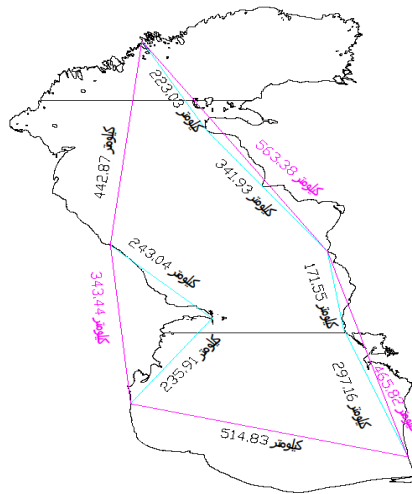
جایگاه مناسبی به دست نیاورده که یکی از دلایل عدم بهره‌مندی از منابع نفت و گاز تثبیت‌شده، نامشخص بودن سهم‌بری ایران از این منابع می‌باشد. در این تحقیق از روش سهم‌بری قوس یکسان استفاده شده که نتایج آن طی نقشه‌های شماره (۱) تا (۵) ترسیم شده است.

شکل ۲. نقشه قوس یکسان برای کشورهای ایران، ترکمنستان و قزاقستان



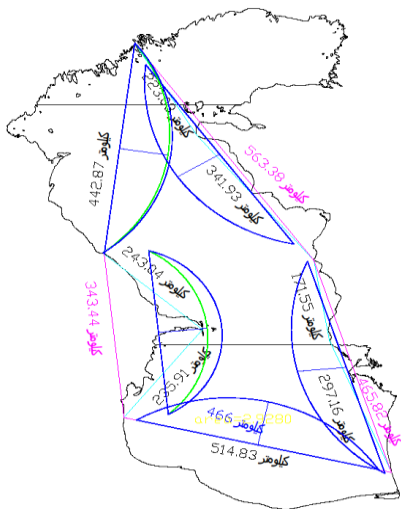
مأخذ: محاسبات تحقیق

شکل ۱. نقشه تعیین خط راست سرحدی

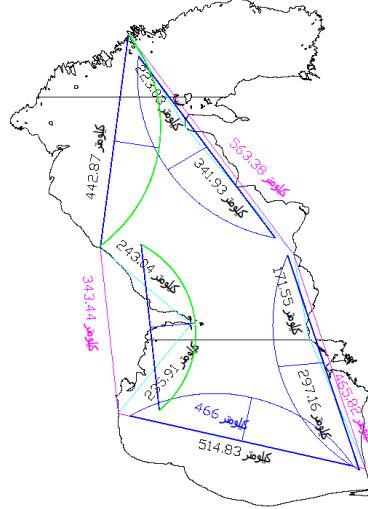


مأخذ: محاسبات تحقیق

شکل ۴. نقشه محاسبه ۵ کشور قبل از توزیع فصل مشترک



شکل ۳. نقشه تعیین دو قوس نامساوی برای کشور روسیه و آذربایجان

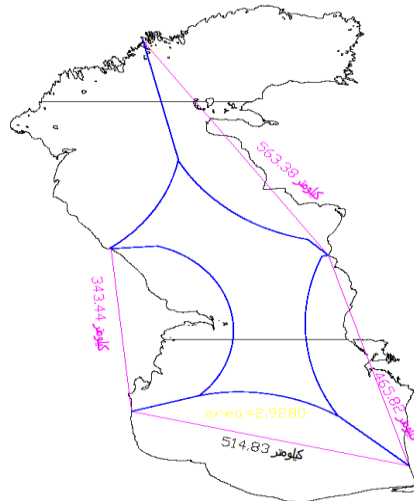


مأخذ: محاسبات تحقیق

مأخذ: محاسبات تحقیق

در نقشه نهایی زیر خطوط اضافی حذف و منطقه اختصاصی و مشاع ترسیم گردید.

شکل ۵. نقشه پیشنهادی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر



مأخذ: محاسبات تحقیق

براساس این روش سهم هریک از کشورها از منطقه اختصاصی و مشاع در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. محاسبات سهم هریک از کشورهای حوزه دریای خزر

سهم از منطقه مشاع	سهم از منطقه اختصاصی	منطقه اختصاصی (کیلومتر مربع)	سهم از منطقه کلی	منطقه کلی (کیلومتر مربع)	کشور
۰/۲	۰/۱۹۱۰۷۸۱۰۵	۷۱۸۴۵/۳۶۷۳۲	۰/۲۳	۸۶۴۵۸/۰۵	ایران
۰/۲	۰/۰۹۴۵۹۶۱۹۸	۳۵۵۶۸/۴۳۳۷۴	۰/۱۳	۵۰۱۸۱/۱۱	آذربایجان
۰/۲	۰/۱۸۰۱۳۱۵۵۷	۶۷۷۲۹/۴۶۵۲۷	۰/۲۲	۸۲۳۴۲/۱۴	روسیه
۰/۲	۰/۲۴۰۹۱۷۹۹	۹۰۵۸۵/۱۶۴۱۶	۰/۲۸	۱۰۵۱۹۷/۸۴	قزاقستان
۰/۲	۰/۰۹۸۹۵۷۹۰۷	۳۷۲۰۸/۱۷۳۰۵	۰/۱۴	۵۱۸۲۰/۸۵	ترکمنستان
-	۰/۱۹۴۳۱۷۵۴۴	۷۳۰۶۳/۳۹۶۴۶	۰/۰۰	۰/۰۰	مشاع

جمع	۱	۱	۳۷۶۰۰۰	۱	۳۷۶۰۰۰
-----	---	---	--------	---	--------

مأخذ: یافته‌های تحقیق

قابل ذکر است در سهم‌بری مشاع، همه دریای مشاع به صورت مساوی به ۵ کشور شده به طوری که سهم هریک از کشورها از منطقه مشاع ۲۰ درصد خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بعد از فروپاشی شوروی ایران به جای یک کشور، مقابل با چهار کشور مستقل (روسیه، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان) قرار گرفت و آذربایجان با توجه به راهبرد خود با آمریکا و دعوت از شرکت‌های غربی برای حفر چاههای نفتی طرحی یک‌طرفه ارائه کرد، مبنی بر اینکه سهم بهره‌برداری ۵ کشور ساحلی روسیه ۱۹ درصد، آذربایجان ۲۱ درصد، ترکمنستان ۱۷ درصد، قزاقستان ۲۹ درصد و ایران ۱۴ درصد می‌باشد.

ایران معتقد بر استفاده مشاع ۲۰ درصد برای پنج کشور ساحلی می‌باشد. همچنین اصل انصاف، شرایط ویژه هر کشور از جمله طول سواحل، تحدب یا تقعر، عمق آب، پراکندگی منابع انرژی باید لحاظ شود و از به کار بردن خط میانی^۱ یا خط متساوی‌الفاصله^۲ پرهیز شود. امضای «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر»^۳ در سال ۲۰۱۸، و نهایی شدن تعیین رژیم حقوقی دریای خزر فرصت مناسبی برای همه بازیگران انرژی منطقه است. بیشتر منابع نفت و گاز این منطقه در اطراف دریای خزر قرار دارند که استخراج آن‌ها به این کنوانسیون و مفاد حقوقی آن وابسته است.

این مطالعه حاضر با استفاده از روش سهم‌بری قوس یکسان که تلفیقی از روش‌هایی است که تاکنون جهت مرتفع نمودن موانع و مشکلات مربوط به بحث تقسیم خزر و یا تعیین رژیم حقوقی ارائه شده به دنبال تعیین سهم‌بری هریک از کشورهای مذکور را از بستر (عرصه آبی) و زیر بستر دریای خزر می‌باشد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در سهم‌بری منطقه مشاع، سهم هریک از کشورها ۲۰ درصد خواهد بود. در سهم‌بری کلی، کشور قزاقستان با (۲۸ درصد)، ایران (۲۳ درصد)، روسیه (۲۲ درصد)، ترکمنستان (۱۴ درصد) و آذربایجان (۱۳ درصد) از مساحت دریای

۱. Median Line

۲. Equidistant Line

۳. Caspian Sea Legal Convention

خزر را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهادهایی را می‌توان به منظور تعیین رژیم حقوقی دریای خزر ارائه نمود:

۱. ایران همواره در حوزه خزر، با قدرت و براساس منافع ملی به نحوی عمل کند که ضمن حفظ استقلال و عزت کشورمان، روند فعالیت‌های اکتشافی و توسعه‌ای صنعت نفت براساس برنامه‌های از پیش تعیین شده و سیاست‌های کلان ایران ادامه یابد.

۲. تدوین یک رژیم حقوقی جامع؛ که این امر می‌تواند اختلافات مربوط به حضور دولت‌های ساحلی در این دریا را حل نموده و مشکلات ناشی از استفاده سودجویانه از آن را رفع نماید.

۳. بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر می‌تواند به صورت مستقل از مسئله تحدید حدود دریایی و تعیین رژیم حقوقی مورد توجه دولت‌های ساحلی قرار گیرد. احتمال می‌رود در صورت توافق دول ساحلی بتوان رژیم توسعه مشترک را برای دریای خزر طراحی کرد. به نحوی که دولت‌های ساحلی در قالب یک موافقتنامه منطقه یا مناطق توسعه مشترک را تعریف کنند، سپس شرکت‌های مجاز از سوی آنان در قالب قرارداد مشارکت یا کنسرسیوم با یکدیگر قرارداد منعقد کرده و مبادرت به اکتشاف، بهره‌برداری و توسعه منابع نفت و گاز بنمایند.

۴. هرگونه تقسیم بستر و زیربستر بدون توجه به ویژگی‌های خاص و تأثیرگذار جغرافیایی خزر نظیر وضعیت جغرافیایی (طول سواحل، شکل سواحل، جزایر و ...) جمعیت‌شناسی، منابع و حق تاریخی امکان‌پذیر نخواهد بود. لذا جهت تقسیم عادلانه می‌بایست این ویژگی‌ها مد نظر قرار گیرد.

۵. توسعه منابع هیدروکربوری و احداث خطوط لوله به دلیل نیازهای اقتصادی و توجه صرف به درآمدهای آن برای برخی کشورهای ساحلی موجب شده است که حفاظت از محیط‌زیست این دریا از نظر دور بماند و بعضی از آن‌ها تنها به بهره‌برداری ممکن می‌اندیشند که این امر خسارات جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. لذا کشورهای ساحلی دریای خزر می‌بایست هرچه سریع‌تر نسبت به تعیین رژیم حقوقی آن جهت بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر اقدام نمایند تا آلودگی ناشی از فعالیت‌های خود به‌ویژه فعالیت‌های نفتی (توسعه برنامه‌های اکتشاف، استخراج و تردد نفت‌کش‌ها) را به حداقل برسانند.




۶. وزارت نفت ایران می‌بایست همه زمینه‌ها، تجهیزات، دانش، تخصص، نیروی انسانی و امکانات را برای انجام کشفیات در دریای خزر مهیا نموده و برنامه‌های مربوط به عبور از مرحله اکتشاف و رسیدن به مرحله تولید و توسعه را در اولویت کارهای خود قرار دهد تا در صورت تعیین رژیم حقوقی که مورد مقبولیت تمامی کشورهای ساحلی باشد، بتواند با بهره‌برداری از منابع زیر بستر و کشف ذخایر عظیم جایگاه خود را از نظر ذخایر هیدروکربوری در مجامع بین‌المللی ارتقاء دهد.

۷. بدون شناسایی دقیق بستر، زیر بستر، شکل و تغییرات ساحل، عمق دریا، منابع اقتصادی آبی و زیرزمینی امکان تعیین رژیم حقوقی دریا، تعیین مرزهای آبی، ایجاد امنیت در حریم حقوقی دریا و در نتیجه جلوگیری از تجاوز دیگر کشورها امکان‌پذیر نخواهد بود. کشورهایی که شناخت کمتری از ریخت‌شناسی و زمین‌شناسی بستر و زیر بستر دارند بیشتر در معرض خطر تجاوز قرار می‌گیرند. لذا قبل از تعیین رژیم حقوقی دریای خزر انجام مطالعات و تحقیقات زمین‌شناسی جهت دستیابی به اهداف مختلف اقتصادی، امنیتی، سیاسی، نظامی، زیست‌محیطی امری الزامی و اجتناب‌ناپذیر است.

۷. تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mohammad Mahdi Hajian	 https://orcid.org/0000-0001-6647-5058
Seyyed Esmaeil Hashemi	 https://orcid.org/0000-0002-3720-7078
Rahim Saemi	 https://orcid.org/0000-0001-9336-4695

References

- Ahmadipour, Z. (۲۰۰۰). Iran's new geopolitics after the Cold War, *Geographical Researches*, Vol ۳۹, No ۳۹, pp. ۱۱-۱۷. [In Persian]
- Azhdari, B., & Qaini Hesaroye, S. (۲۰۱۰). The role of America and Russia in determining the legal regime of the Caspian Sea, *Bimonthly Journal of Iran and Eurasia Developments (Iran)*, Vol ۷, No ۳۵, pp. ۲۸-۳۵. [In Persian]
- Bahgat, G. (2005). Oil and Terrorism: Central Asia and the Caucasus, *The Journal of Social, Political, and Economic Studies*, Vol. 30, No. 3, pp. 265-283.

- Bajrektarevic, A. H. (۲۰۱۵). The Caspian Basin: Legal, Political and Security Concerns, Pipeline Diplomacy and Implications for EU Energy Security, ASIA-PACIFIC RESEARCH AND TRAINING NETWORK ON TRADE, *Working Paper*, No. ۱۴۹.
- Bajrektarevic, A. H. (۲۰۱۷). The Caspian Basin: Legal, Political and Security Concerns, Pipeline Diplomacy and Implications for EU, Econstor”, Working Paper Series, No. ۱۴۹, Asia-Pacific Research and Training Network on Trade (ARTNeT), *Bangkok Energy Security*, Available at: <https://www.econstor.eu/bitstream/۱۰۴۱۹/۱۴۵۳۸۵/۱/۸۲۴۶۲۸۹۰X.pdf>, (Accessed on: ۱۷/۷/۲۰۱۹).
- Blank, S. (۲۰۱۸). Thinking Big about Caspian Energy, The Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program Joint Center, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/۱۳۵۴۶-thinking-big-about-caspian-nergy.html>, (Accessed on: ۱۱/۱۱/۲۰۱۹).
- Cordsman, A. (۲۰۱۲). Energy Risks in North Africa and Middle East, USA, Center for Strategic and International Studies, Available at: <http://www.csis.org/bruke/reports>, (Accessed on: ۱۵/۱/۲۰۱۵).
- Energy Information Administration. (۲۰۱۳). Overview of Oil and Natural Gas in the Caspian Sea Region.
- Etaat, J., Nosrati, H., Varzesh, I. (2010). Effective factors in not determining the maritime border lines of the coastal countries of the Caspian Sea, *Journal of Strategy*, Vol 20, No 61, pp 123-152. [In Persian]
- Gelb, B. A. (۲۰۰۵). Caspian Oil and Gas: Production and Prospects, Congressional Research Service, Order Code RS۲۱۱۹۰ <https://digital.library.unt.edu>.
- Gurbanov, I. (۲۰۱۹). Caspian Convention Signing and the Implications for the Trans-Caspian Gas Pipeline, The Jamestown Foundation, Eurasiaaily Monitor, Vol. ۱۵, No. ۱۲۷, Available at: <https://jamestown.org/program/caspian-convention-signing-and-the-implications-for-the-trans-caspian-gas-pipeline/>, (Accessed on: ۱۴/۱۲/۲۰۲۰).
- Haqati, M. (۲۰۰۳). Conflict Reaching the Caspian Sea, Post-Communism Issues, Vol ۵۰, No ۳, pp. ۳۲-۴۱. [In Persian]
- Kamran, H., & Zarai, B, Heydari, A., Motaghi, A. (۲۰۱۲). Caspian region: the arena of competition between regional and extra-regional powers, *International Journal of the Iranian Geographical Society*, Volume ۱۱, Number ۳۹, pp. ۷۸-۱۰۴. [In Persian]
- Karatayev, M., & Stephen, H. (۲۰۲۰). Establishing and Comparing Energy Security Trends in Resource-Rich Exporting Nations (Russia and the Caspian Sea region). *Resources Policy*, Vol. ۶۸ (101703), pp.1-10.

- Kashani, J. (2014). Common oil and gas resources from the perspective of international law, Tehran, *Shahr Danesh publication*, second edition, pp. 38-39. [In Persian]
- Khodaparast, Y., & Sayadi, M. (2015). Geoeconomic dimensions of energy management of the Caspian region and Iran's energy security, *Proceedings of the 6th Energy and Environment Conference*. [In Persian]
- Khosravi, S., & Farahanifar, M. (2014). Reviewing the legal regime of the Caspian Sea and the positions of the coastal countries regarding oil, *National Conference on Future Studies*, Humanities and Development. [In Persian]
- Malcolm, N. Sh. (2008). The international law of the seas with a view on Iranian issues, translated and research by Alireza Ebrahim Gol and Hassan Khosrowshahi, *Khorsandi Publications*. [In Persian]
- Mammadov, I. (۲۰۰۹). Geopolitics of Energy in the Caspian Sea Region Azerbaijan's Challenges, <http://fletcher.tufts.edu>.
- Nazemi, M. (۲۰۰۲). The Caspian Sea and International Law: Different Options According to the Opinions of the International Court of Justice, *Legal Journal, International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran*, Volo ۱۹, No ۲۶-۲۷, pp. ۱۴۵-۳۴۸. [In Persian]
- Pahlavani, A, K., & Hiraniya, J. (۲۰۰۷). International cooperation and the development of the energy sector (oil and gas) of the Islamic Republic of Iran, a review of Russia's experience, *Journal of Strategy*, Vol ۱۶, No ۴۷, p. ۴۴۶. [In Persian]
- Pawletta, B, J. (۲۰۲۰). Legal framework for the interstate cooperation on development and transport of fossil natural resources of the Caspian Sea, *Journal of World Energy Law and Business*, Vol. ۱۳, No. ۲, pp. ۱۶۹-۱۸۴.
- Pietkiewicz, M. (۲۰۲۰). Legal status of Caspian Sea-problem solved? *Marine Policy*, Vol. ۱۲۳, (104321), pp. 1-9.
- Shariat Bagheri, M, J., & Jahani, F. (2010). Developments in the exploitation regime of common oil and gas resources in the Mazandaran Sea, *Journal of Strategy*, Vol 20, No 58, pp. 132-175. [In Persian]
- Sofi, F. (2016). Analysis of the international law of the seas with a view on Iran's position in the international field, *Ghanonyar Journal of Civil & Legal Sciences* quarterly, vol 4, pp. 265-277. [In Persian]
- Walizadeh, A., & Sadeghi, M. (2021). The Caspian Sea Legal Regime Convention and Iran's Position in South Caucasus Energy Geopolitics, *Central Eurasian Studies*, Vol 14, No 1, Pages 153-176. [In Persian]

بررسی حقوقی سهم کشورهای حاشیه دریای خزر از منابع نفت و گاز ... | حاجیان و همکاران | ۶۱

استناد به این مقاله: حاجیان، محمد مهدی؛ هاشمی، سید اسماعیل؛ صائمی، رحیم. (۱۴۰۱). بررسی حقوقی سهم کشورهای حاشیه دریای خزر از منابع نفت و گاز (ارائه مدل سهم‌بری قوس یکسان برای دریای خزر)، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۴۳ (۱۱)، ۳۵-۶۰.



Iranian Energy Economics is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴,۰ International License.